

ادامه از صفحه ۱۰

پشت‌برده تعویق اکران «تلفن همراه آقای رئیس جمهور»

✎ **مسول در برابر چه کسی؟**

در برابر خدا، باید جواگوب باشم که چرا این فیلم را ساختم یا چرا فلان دیالوگ را در فیلم آوردم. متأسفانه بعضی واژه‌ها در جامعه ما لوث شدند. مثلاً اگر بگویم فیلمسازی یک رسالت است خنده‌دار به نظر می‌رسد اما واقعاً فیلمسازی برایم یک رسالت است. من فردی به‌شدت مذهبی هستم و اگر به تمام فیلم‌های من نگاه کنید همه‌شان با ایاهی از قرآن شروع می‌شوند. شش یا هفت‌سال معلم قرآن بودم. نظر لفر قرأت قرآن کانون‌های کشور بودم. الان تمام دارایی و دخلخوشام در زندگی، قرآن است. بیشتر سعی می‌کنم قرآن را به فارسی بخوانم تا متوجه معانی‌اش شوم. بارها شده در زمان فیلمبرداری کار را تعطیل کرده و نماز را بخواندم. اما الان فضا طوری شده مثلاً فرد مجبور است پنهانی نمازش را بخواند، چون انگ ریا را به انسان می‌زند. اگر از فردا صبح خداوند مقدر کند که دیگر فیلم نسازم، دیگر نمی‌سازم.

✎ **چرا برخورد آدّم‌ها در فیلم با موضوع تلفن همراه آنقدر ساده‌لوحانه‌ست؟**

چون یک کام آدرگر یک سیم‌کارت می‌خرد و یک آدم مریض در اینترنت شمارهای را زده که گفته شماره رئیس‌جمهور است. از شانس این کارگر، او این شماره را وارد کرده است. من از شما می‌پرسم اصولاً در فضای مجازی چنین اتفاقی را اگر ببینید چه کسانی با این فرد تماس می‌گیرند؟

✎ **طبعاً آدّم‌ها و افراد ساده‌لوح.**

همین‌طور است. قطعاً افراد فرهیخته باور نمی‌کنند. دلیل اینکه افرادی که با این شماره تماس می‌گیرند ساده‌لوح هستند این است. به همین دلیل ۹۹ درصد افرادی که تماس می‌گیرند آثار فشر متوسط هستند.

✎ **چرا «آقای الف» و «ابرای آقای رفسنجانی نشان دادید؟**

کار بدی انجام دادم؟

✎ **می‌خواستم دلیش را بدانم.**

چون می‌خواستم نظر ایشان را بدانم.

✎ **آخراً خواستید نظر آقای رئیس‌جمهور را ببرسید؟**
ایشان فیلم تلفن همراه را دیده بود و نظرش را داده بود.
✎ **آقای رفسنجانی از فیلم «آقای الف» تمجید کردند.**
دستشان در نکتند.

✎ **فیلم انتخابتی آقای رفسنجانی را می‌سازید؟**

در حال حاضر فقط درگیر اکران فیلم‌هایم هستم.

✎ **ایده‌ال فیلمسازی شما چه شرایطی است؟**

سینمایی که محدودیتهای بی‌دلیل نداشته باشد. متأسفانه در سازوکار که برای سینما در نظر گرفته‌اند، بیشتر سلیقه‌ای اعمال می‌شود. یعنی قانون برای دو فرد مختلف به دو نوع مختلف تفسیر می‌شود. یعنی آقای X فیلمنامه‌ای را می‌دهد و پروانه ساخت هم می‌گیرد که من اصلاً نمی‌توانم از کنار این فیلمنامه رد شوم. یعنی قانون برای ما دو نفر یکی نیست. آن فرد لایب دارد، نه من که فیلمنامه‌ام چندین‌بار رد می‌شود. سینمای آرمانی یعنی همه فیلمسازان یک‌جور دیده شوند. به‌نظرم باید بتوانیم خودمان نقد کنیم. چه ایرادی دارد ما خودمان انتقاد کنیم باز هم تأکید می‌کنم با حسن تشخیص و حسن برخورد. ما تابع قوانین هستیم.

✎ **منظورم این است که علاقه‌تان به چه ژانری بیشتر است؟**

نمی‌توانم بگویم کدام ژانر مورد علاقه‌ام است. اما برای خودم یک دسته‌بندی دارم. به نظرم فیلم‌هایی که روی پرده سینما دیده می‌شوند دو دسته‌اند. یکسری چیزهایی روی پرده سینما دیده می‌شود که در زندگی روزمره امکان افتادن آن اتفاقات وجود دارد ولی به آنها توجه نمی‌شود. مثل فیلم‌های آقای کباب‌رستمی. اما یکسری فیلم‌ها یک تلنگر به انسان می‌زند که می‌تواند این اتفاقات هم بیفتد. مثل فیلم «گوری» یا فیلم «ورخشش لیدی یک ذهن پاک» که به‌نظرم بهترین فیلم تاریخ سینماست. من دنبال آن دسته از فیلم‌ها هستم که وقتی کسی ببیند احساس نزدیکی کند و با خودش بگوید این اتفاقات می‌تواند بیفتد. اگر در فیلم‌هایی که تاکنون ساختم دقت کنید همه این موارد وجود دارد. مثلاً در «پوست‌موز» یک نفر به کما می‌رود و در زمان کما عاشقی روح یک دختر می‌شود و حالا می‌خواهد خودکشی کند که به آن دختر برسد. در «هموکرسی» در روز روشن» یک نفر به کما رفته و برزخ را می‌بیند و بیه هوش می‌آید. در فیلم «تلفن همراه رئیس‌جمهور» هم اتفاقی که می‌افتد خیلی بدیهی نیست، اما امکان افتادن این اتفاق وجود دارد. سوم دبستان که بودم فیلم «هردی که زیاد می‌دانست» بد. صدی را دیدم که در دهنم باقی ماند یا فیلم «زنگ‌ها»، «استعداد» و «آواتار».

✎ **اگر قرار بود دوباره این فیلم را بسازید، چه می‌کردید؟**
همین‌طور می‌ساختم.
✎ **چرا؟**

اگر ۱۰ بار دیگر این فیلم را بسازم همین خواهد بود. این یک بحث فلسفی است. ما بعضی اوقات می‌گوییم اگر جای فلانی بودم فلان کار را انجام می‌دادم. در فیلم «ویت عاشقی» گفته می‌شود تو اگر جای این فرد بودی همان کاری را انجام می‌دادی که او انجام می‌دهد. از فیلم، راضی‌ام.
✎ **فیلم «تلفن همراه رئیس‌جمهور» اصلاحیه‌نخورد؟**
یکی، دو مورد اصلاحیه داشتیم. اصلاحیه اول این بود که یک سگکس را کلاً خراب کنیم که سگکسی بود که آقای رئیس‌جمهور در تلویزیون صحبت می‌کند. من این کار را نکردم و فقط یک پلان را حذف کردم. یک اصلاحیه دیگر هم بود که به هر حال انجام دادم.

✎ **در آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید.**

چند شب گذشته تیزرهای این فیلم توقیف شد و فیلم الان بدون تیزر اکران نشده. امیدوارم مردم خودشان با تماشای فیلم نشان دهند که موافق این انتقادات هستند یا نه.



عباس بهارلو

سدادی و فروتنی احمد جوقرانیان در برابر اولادصول‌های «روشنفرکرانه» یک جور فضیلت بود.

یک احمد جوقرانیان حرفه‌ای‌ترین «فیلم‌باز» ایران بود. از سال ۱۳۳۶ همه ذهن و زبانش سینما بود. همه فیلم‌هایی را که دیده بود به‌یاد داشت. هر فیلم را با اصلی‌ترین عوامل سازنده‌اش به‌خاطر می‌آورد. برای پزتیو و نگاتیو فیلم حرمت و قداست قایل بود. هر نوع فیلمی را می‌خرد و در آرشوو خصوصی‌اش نگهداری می‌کرد و عین ناموشش از آن محافظت می‌کرد. آنجنان عاشق نوار سلولویید بود که هیچ‌گاه عاشق موجود زنده‌ای نشد. حاضر نبود هیچ عشقی را جایگزین عشقش به سینما کند و نکرد. هر نسخه‌ای را از فیلمی فراهم می‌کرد، قطع نظر از اینکه آن فیلم به چه ژانری از سینما تعلق داشت، برای او در حکم عضوی محترم از اعضای خانواده بزرگ سینما و خانواده کوچک خودش بود. از این بابت که لایه‌لای فیلم‌ها و پوسترها زندگی می‌کرد از خیلی‌های دیگر خوش‌تر بود. شاید اراتد خالصانه او به گذشته سینما را بتوان به نوعی «حس تاریخی» تعبیر کرد؛ نوعی رابطه عاطفی با تاریخ سینما، با همان چیزی که نوستالژی می‌نامیم.

(دو) به سر و وضعش نمی‌رسید، یا کمتر می‌رسید. بیشتر هوای فیلم‌ها و پوسترها و عکس‌های سینمایی را داشت. هر بولی که به‌دستش می‌رسید برای نگهداری همین‌ها هزینه می‌کرد. فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و از همان سال‌ها به فکر راهاندازی کلوبی برای نمایش فیلم‌های برتر تاریخ سینمای جهان افتاد و چون هنوز هیچ آرشوو دولتی در ایران وجود نداشت، یک‌تنه شال و کلاه کرد تا آرشوو خصوصی برای فیلم و عکس و پوستر ایجاد کند. در بهمن ۱۳۴۸ با کمک چند نفر از دوستانش «کار توش‌فیلم» را در سینما بلوار راهاندازی کرد و در مهربامه سال بعد، فعالیتش را گسترش داد و با تأسیس «تلاش‌فیلم» کلیه انجمن‌های فیلم دانشجویی را تحت پوشش قرار داد. در سال ۱۳۴۹ انجمن فیلم کوی دانشگاه را در سالن ورزش خویگاه دانشگاه تهران به‌راه انداخت و در سال ۱۳۵۰ انجمن فیلم دانشکده فنی را با مرور بر فیلم‌های ایزنشتین بنیان نهاد. از سال ۱۳۵۱ با تأسیس «مرکز فیلم» نخستین کلام را برای ایجاد یک آرشوو خصوصی فیلم در ایران برداشت. از همان سال‌ها برای جمع‌آوری فیلم‌های مهم تاریخ سینما گوش به زنگ بود تا با نقضای اعتبار مجوز زمانی که کمپانی سازنده فیلم (مثل پارامونت، یونایتد آرتیستز، کلمبیا، وارنر، فوکس قرن بیستم و مترو گلدوین مپیر) به پخش کنندهای می‌دادند فیلم‌های «تبری» را از پخش‌کننده‌ها بگیرد و پس از تعمیر و مرمت چهار، پنج، کی، یک نسخه کامل از آن مهیا کند؛ کاری شاق و طاقت‌سوز.

هالیوود رپیور تر: شانس «گذشته» برای دریافت نخل طلا بالاست

اکران فیلم «فرهادی» در ابهام

شرق: درحالی‌که اکران فیلم « گذشته» در ایران با وجود داشتن پروانه نمایش در هاله‌ای از ابهام است؛ نشریه هالیوود رپیورتر در گزارشی که روز سه‌شنبه منتشر شد، تازه‌ترین فیلم فرهادی را شاخص‌ترین فیلم جشنواره شصت‌وششم کن معرفی کرده است. این معرفی از سوی مجله معتبری چون هالیوود رپیورتر درست در نیمه جشنواره کن منتشر می‌شود که کارهای کارگردان شناخته‌شده‌ای چون برادران کونن نمایش داده شده و منتقدان، آرای خود را درباره آنها اعلام کرده‌اند. اما اکران این فیلم که هفته گذشته پروانه نمایش خود را از وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی دریافت کرد؛ هنوز مشخص نیست. گفته شده بود این فیلم طرف این هفته و هفته آینده در تهران بر پرده می‌رود، اما حبیب کالوش سخنگوی شورای صنفی نمایش به شرق گفت: «به دلیل آماده نشدن زیرنویس فیلم و کپی‌های دیجیتالی، فعلاً نمی‌توان آن را اکران کرد.» کالوش همزمانی اکران فیلم با امتحانات دانشگاه‌ها و مدارس متوسطه را یکی

گزارش روز

مصادره فردوسی توسط افغان‌ها

مژده‌سادات دامپرو

حوزه تمدنی ایران، بخش بزرگی از منطقه آسیا را پوششی می‌دهد و تمامی کشورهای اطراف متاثر از قدمت و گستردگی این فرهنگ بوده و هست. با این حال و متأسفانه مدتی است حرکت‌هایی از سوی کشورهایی که ما آنها را دوست و همسایه می‌خوانیم، رخ می‌دهد؛ ثبت مولانا به‌نام ترکیه، ثبت تار ایرانی به‌اسم جمهوری آذربایجان، بحث بر سر نام خلیج‌فارس، تلاش برای ثبت کردن نام دانشمندان ایرانی چون ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به‌عنوان عرب، همگی اتفاقی‌هایی‌اند که هر ازچندگاهی، ایرانیان ساکن فضای سایبر را به این فکر می‌اندازد که با کمپینی اینترنتی، تلاشی معمولاً بی‌نتیجه را راه بینمایزند، گویی متولی این امور در ایران به‌خواب رفته باشد. آخرین رویدادی که در آن یکی دیگر از منساعهر و چهره‌های ایرانی برای کشوروی همسایه مصادره شده، در مراسم بزرگداشت انتخاب «فرزین» به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۳ است. در این مراسم که در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب برپا شد، سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان فرهنگ و ادب فارسی به‌همراه وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، سفیر این کشور در ایران، همچنین بسیاری از پژوهشگران و

یاد

حرفه‌ای ترین «فیلم‌باز» ایران

به‌اعتبار همین فیلم‌ها، در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵، صبح‌های جمعه، روزهای تعطیل و گاهی هم پنجشنبه‌ها در سینماهای پلازا، بلوار و تخت‌جمشید جلسهای نمایش فیلم برگزار می‌کرد. به‌تدریج با اوج‌گیری فعالیت‌های دانشجویی، به این جلسه‌ها، که محل تجمع دانشجویان و افراد تحصیل‌کرده بود، ایراد گرفتند و تعطیلش کردند. نام جوقرانیان در دهه ۱۳۵۰ آنجنان بر سر زبان‌ها افتاده بود که نه فقط مسوولان کانون‌های فیلم دانشجویی، بلکه گاهی بر‌گزار کنندگان جشنواره بین‌المللی فیلم تهران و ... نیز پارای از فیلم‌هاشان را از آرشوو او تأمین می‌کردند؛ و البته به تأسی از آنها، بر‌گزار کنندگان جشنواره فیلم فجر، تا همین شش، هفت سال پیش.

(سه) اسلم احمد جوقرانیان را از اوایل دهه ۱۳۵۰ شنیدم، به‌واسطه فیلم‌هایی که برای کانون فیلم دانشکده نفت آبادان می‌فرستاد و یکی از نخستین فیلم‌هایش «مرد آرام» (جان فورد) بود. بعدها، در اواخر دهه ۱۳۶۰، دوستی‌مان نتگاتنگ شد. عکس‌های «سوزن‌خورده»، پوسترهای «ناشده» و کمی بعدتر فیلم‌های کمتر دیده‌شده‌اش را که به‌تعبیر خودش «لای زرزور» بود، برای نمایش در «کانون فیلم» (فیلمخانه ملی ایران) در اختیارمان می‌گذاشت. دوستی‌مان، البته، سخت رقابت‌آمیز هم بود. مدت بیست‌تواندی سال هر دومان تلاش می‌کردیم، قبل از دیگری، به آرشوهای فیلم خصوصی و دولتی دست یابیم. احمد برای پربارتر کردن آرشوو خصوصی‌اش و ما

برای تنها آرشوو ملی فیلم در ایران. گاهی نشانی یک آرشوو خصوصی را در فلان شهرستان در اختیارش می‌گذاشتیم تا فیلم‌ها را بخرد و بعدتر شاید با قیمت گران‌تر به ما بفروشد؛ و گاهی هم به او فرصت نمی‌دادیم که حتی یک قدم از ما جلوتر بیفتد برای خریداری یک آرشوو بزرگ فیلم از یک نهاد دولتی. به‌رغم این رقابت، هیچ‌گاه دوستی‌مان شکراب نشد و خرسند بودیم که فیلم‌های پراکنده، جایی متمرکز و نگهداری می‌شود و من از دیشب، که خبر فوتش را شنیدم، تا این لحظه خواب به چشمانم نیامده که تکلیف فیلم‌های احمد چه می‌شود.

چهار) در دو دهه گذشته تعدادی از فیلم‌های جوقرانیان را از او خریداری کردیم؛ اما بسیاری از فیلم‌ها به جاش بسته بود. حاضر نبود به هیچ قیمتی بفروشد؛ و گاهی هم، بدون آنکه قصد شسوخی داشته باشد، چه حرف‌های بازمزای می‌زد؛ به‌عنوان مثال، یک نمونه‌اش: از ۱۲ پرده فیلم «جاده تنباکسو»ی فورد، ۱۱ پرده‌اش دست ما (یعنی آن نهاد ملی) بود و یک پرده‌اش دست احمد. می‌گفت: شما ۱۱ پرده‌تان را به‌من دهید تا دست‌کم فیلم من کامل شود؛ جوقرانیان از محدودیت واقعیت، گریزان بود. حقیقت در ذهن و رویاهای سینمایی او بود. او با رویاپردازی سینمایی خود، محدودیتهای واقعیت جهان پیرامونش را درهم می‌شکست و با شکیبایی و استقامت و پیگیری لجوجانه‌اش در امر فراهم‌آوردن نسخه‌های قدیمی فیلم‌ها هم را تحت تأثیر قرار می‌داد.



جدیدترین ساخته فرهادی که از روز جمعه در سینماهای فرانسه اکران شده، در سه روز اول نمایش بیش از ۱۵۰ هزارنفر را به سالن‌های سینما کشانده است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «احمد (علی مصفا) چهارسال پس از جدایی از همسر فرانسویش به در خواست او راهی پاریس می‌شود تا مراحل اداری طلاقشان را طی کرده و ثبت کنند. او در مدت اقامت کوتاهش متوجه اشتغکی «لوسی» دختر همسر سابقش می‌شود. تلاش او برای کمک به «لوسی» پرده از رازی در گذشته بر می‌دارد.» هالیوود رپیورتر فیلم‌های «هرون لیون دیویس» ساخته برادران کونن، فیلم «شیبه پدر، شیبه پسر» به کارگردانی هیروکازو کوریدا از ژاپن و «زیبایی و جوانی» ساخته فرساوا اوزون را از دیگر فیلم‌های مطرح رقابت‌کننده برای نخل طلا معرفی می‌کند. همچنین دو فیلم «هلی» ساخته آمت اسکالاتنه و «جیمی پی» از آرتاوند دیسپاجین از جمله فیلم‌هایی باید منتظر این فیلم‌ها و نظرات منتقدان درباره آنها ماند.

فرم درخواست اشتراک شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۱ صبح می باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که در خواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله در یافت تلقی می شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۱ ماهه	۳ ماهه	۶ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۶۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۵۰/۰۰۰	۳/۷۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش /چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی در یافت کننده:						
امضاء در یافت کننده:						

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:	
مدت اشتراک: ۱ماهه ☐ ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐	کد اشتراک تعداد نسخ اشتراک
نام: نام خانوادگی: نام موسسه:	امضای متقاضی:
آدرس دقیق:	
کد پستی: تلفن: نامبر:	

زیر آسمان فیروزهای

کلکسیونر معروف سینمای ایران در گذشت

فیلم‌هایش فرز ندانش بودند



● **فرانک آرت-آحمد** جوقرانیان هم از میان مافست وقتنی آقاسی مطمئن:زاده‌خبر درگذشت جوقرانیان را به من اطلاع داد، شد شکه؛ نه ازمرگش که بالاخره همه مارا در بر می‌گیرد، بلکه به دلیل عشقی که به سینما داشت و این همه عشق را زودهنگام جا گذاشت و رفت. اصلاً «سجنون فیلم»، سمسای مناسبی برای او بود. شاید یا حتما نسل جدید سینما دوست او را نشناسد. او یکی از شناخته‌شده‌ترین کلکسیونرهای فیلم‌های تاریخ سینما بود. آرشوو خوبی از فیلم‌های ۳۵ و ۱۶ میلیمتری داشت. یا بهتر بگویم مقطع سینمای کلاسیک و فیلم‌های خارجی تا دهه ۷۰ میلادی، هر جا که نمایش فیلمی بود یا سینمایی برپا می‌شد، او همان‌جا حضور داشت، با کلی پیشنهاد. خودش تحصیلکرده سینما بود ولی آنقدر سینما دوست و فیلم‌برایش جدی بود که زندگی خصوصی‌اش را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ ازدواج نکرد و فیلم‌هایش، فرزندانش بودند. برای او یک‌سال اخیر چندان خوب نبود. سکته کرده بود و در حرف‌زدن لکنت داشت ولی وقتی اسم فیلمی می‌آمد گل از گلش شکفته می‌شد. چند وقت پیش هم موتورسواری، او را نقش بر زمین کرد و بی‌انصاف فرار را بسر قرار ترجیح داد. مدتی به کما رفت و دیروز هم دعوت حق را لبیک گفت. سال گذشته مهرشاد کارخانی درباره او و نقش موثرش در گسترش فرهنگ فیلم‌دیدن، فیلمی ساخت. روحش شاه، یادش گرامی.

سرخط

- مهر:** ساخت فیلم سینمایی «دلنگی‌های عاشقانه» به کارگردانی رضا اعظمیان به دلیل مشکلات مالی متوقف شد.
- شرق:** نسخه بازسازی شده فیلم «هیروشیما عشق من» اثر آلن رنه با بازی اماتولدا ریوا در بخش فیلم‌های کلاسیک شصت‌وششمین جشنواره کن به نمایش درآمد.
- شرق:** فیلم سینمایی «رف روی کاج‌ها» به کارگردانی پیمان معادی در باشگاه فیلم فرهنگسرای رازی، نقد و بررسی می‌شود.